

یک کلاس موفق

مدیریت مطلوب یا نامطلوب

سال تحصیلی برای همه و حتی برای آموزگاران که سال‌ها درگیر کار تعلیم و تربیت بوده‌اند، با چالش‌هایی همراه است. اکثر آموزگاران هر چند با سابقه و تجربه‌ی زیاد، در آغاز فعالیت، هیجان رویارویی با دانش‌آموزان جدید را تجربه می‌کنند و برای انجام مسئولیتی تازه در قبال چندین منبع انرژی سرچال و بکر، آماده می‌شوند. این منابع دانش‌آموزانی هستند با سبک و سیاق‌های تربیتی متفاوت از فرهنگ‌ها و آداب و سنن متنوع با ویژگی‌های فردی متفاوت که در کنار هم گرد آمده‌اند تا یک واحد کل به نام «کلاس» را برای یک سال تحصیلی تشکیل دهند.

به نظر می‌رسد بهترین شیوه برای اداره‌ی این واحد کل و حفظ پویایی و تکامل آن، فراموش نکردن همین تفاوت‌های فردی است. اگر آموزگار به خاطر بسپارد که نباید از کلاس توقع رفتارهای مشابه و یکسان داشته باشد، احتمال پویایی و رونق کلاس بیشتر خواهد بود. اگر آموزگار آمادگی داشته باشد که به جای در نظر گرفتن کلاس به‌عنوان واحدی که در آن همه باید به یک سبک و یک مدل رفتار کنند، با یک شیوه مطلب بیاموزند و با یک روش تعامل کنند، تک‌تک دانش‌آموزان را انسان‌هایی منحصر به فرد ببیند، امکان موفقیت او در کلاس و ارتباط‌گیری مؤثر او با همه‌ی دانش‌آموزان بیشتر است. حتی رفتارهای مشابه دانش‌آموزان نیز ممکن است انگیزه‌ها و دلایل مشابهی نداشته باشند. آموزگار نباید همه‌ی سکوت‌ها و همه‌ی حرف‌زدن‌ها و حتی همه‌ی فعالیت‌ها را یکسان تعبیر کند. شناختن و به رسمیت شناختن تفاوت‌های فردی و شناساندن ویژگی منحصر به فرد هر دانش‌آموز به دیگران، هنری است که معلم موفق را از دیگران ممتاز می‌کند.

برای اداره‌ی کلاس و آماده کردن فضا برای تعلیم و تعلم و ایجاد انگیزه و بالا بردن لذت یادگیری برای همه‌ی دانش‌آموزان، در هر

سطحی از استعداد و بهره‌ی هوشی، یکی از رموز موفقیت این است که به رفتارهای منفی و چالش‌برانگیز اهمیت چندانی داده نشود و این رفتارها تا حد ممکن نادیده گرفته شوند. در عوض به رفتارهای مثبت و آنچه جو کلاس را شاد و موفق می‌کند، بیشتر بها داده شود. تأکید و تمرکز آموزگار بر رفتار بد، گاهی باعث می‌شود تأثیر آن رفتار بیشتر در کلاس دیده شود؛ اما اگر رفتارهای بد نادیده گرفته شوند، ممکن است در فضای کلی کلاس کم‌رنگ و بی‌تأثیر شوند. برعکس، اگر رفتارهای خوب، هر چند کوچک، مورد توجه قرار بگیرند و تشویق شوند، فضای کلی کلاس مثبت و آرام خواهد شد و به تدریج، آنچه در کلاس به شکل عادت در خواهد آمد، رفتارهای سالم و مثبت و ثبت آن‌ها در ذهن دانش‌آموزان خواهد بود. معمولاً وقتی دانش‌آموزی خطایی می‌کند یا کلاس را به هم می‌ریزد، معلمان در صدد شناسایی و افشای نام او و به اصطلاح «مچ‌گیری» هستند؛ مانند روش قدیمی تعیین بدها و خوب‌ها و نوشتن اسامی آن‌ها روی تخته‌ی کلاس!

این‌گونه شیوه‌ها معمولاً هیجانات آموزگار را تخلیه می‌کنند؛ اما لزوماً موجب تغییر رفتار در دانش‌آموز نمی‌شوند. معمولاً برعکس، موجب تقویت رفتار نامطلوب و جلب توجه منفی می‌شوند. بهترین شیوه‌ی برخورد در چنین مواقعی، توجه مثبت همراه با احترام به شخصیت دانش‌آموز است؛ به گونه‌ای که به دلیل شرم و انفعال درونی، فرد خاطی برای همیشه رفتار خود را ترک کند؛ نه اینکه به دلیل برخورد نامحترمانه، رفتار منفی در او تقویت و برچسبی برای باقی عمر به او زده شود؛ طوری که او ناامید از رویکرد مثبت معلم و کلاس، تنها به فکر انتقام گرفتن از معلم و تثبیت جایگاه خود باشد.

فرا تر بنگریم

در مدیریت کلاس، بهره‌گیری از مهارت‌های کلاس‌داری در هدایت دانش‌آموزان به سوی اهداف مورد نظر، روش‌های کارآمد اداره‌ی کلاس و ایجاد نظم در عین پویایی کلاس، در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش‌آموزان بسیار مؤثرند. همه‌ی آموزگاران دوست دارند شرایطی در کلاس حکم‌فرما باشد که در آن اولین گام یادگیری، یعنی نظم و انضباط و مشارکت در فعالیت‌ها و توجه و تمرکز فعالانه‌ی همه‌ی دانش‌آموزان به خوبی برداشته شود. بنابراین، اهمیت و ضرورت مدیریت و انضباط کلاس بر کسی پوشیده نیست. اما گاهی برخی از آموزگاران، وجود فعالیت‌های چالشی را مغایر حفظ نظم و انضباط در کلاس خود می‌دانند. اما اگر با دیدی فرا تر به موضوع تعلیم و تربیت نگاه کنیم و نگاهی به موضوع بهداشت روان و سلامت شخصیت فرزندی که به امانت نزد ما سپرده شده‌اند، داشته باشیم، شاید بتوانیم رویکرد خود را برای «اداره‌ی کلاس» و تعریف خود را از «کلاس موفق» تغییر دهیم.

